اتخاذ مبنای رؤیت هلال در هر بلدی و عدول از سه فتوا توسط آیتالله سیستانی

- اتخاذ مبنای رؤیت هلال در هر بلدی و عدول از سه فتوا توسط آیتالله سیستانی
- الف) عدول از فتوای کفایت رؤیت در بلاد شرقی از رؤیت در بلاد غربی
- ب) عدول از فتوای کفایت رؤیت در یک بلد از بلاد واقع در یک طول جغرافیایی
- ج) عدول از فتوای کفایت رؤیت در بلاد غربی از رؤیت در بلاد شرقی به شرط طولانی بودن مکث هلال از فاصله زمانی دو شهر

اتخاذ مبنای رؤیت هلال در هر بلدی و عدول از سه فتوا توسط آیت‌الله سیستانی

دیروز در کتاب «اسألة حول رویة الهلال و اجوبتها» به صفحه سی و ششم رسیدیم. مبنایی را که اتخاذ کرده بودند، ایشان را به این مطلب رساند که فرمودند: «یبقی شیء...»؛ آن اینکه سه فتوای معظم‌له عوض شده است. سابقا سه فتوا داشتند. بعد از تدقیق در این مبانء این سه فتوایشان عوض شد.

خلاصه اش این شد: ایشان فرمودند ما چرا دنبال استادمان برویم و بگوییم لحظه ای که قمر از تحت‌الشعاع خارج شد، آن جایی که هلال را دیدند و هر کجا که با آن در شب مشترک هستند، برای آنها، ماه ثابت می‌شود. خُب چرا این را بگوییم؟! میگوییم فقط همان جایی که دیدند شروع ماه مبارک و شروع شهر است. برای آن شواهدی را هم میآورند که عرض میکنم. حال که اینطور شد، گفتند باید در همین بلد ببینیم. رویت بدون تلسکوپ شرط است، آن هم در بلد خودشان.

الف) عدول از فتوای کفایت رؤیت در بلاد شرقی از رؤیت در بلاد غربی

این را که فرمودند لازمه‌ی این حرفشان سه فتوا است. این سه فتوا چیست؟ مثلاً در وقت غروب قم در افق خودمان ماه را دیدیم. فرموده‌اند سه جای دیگر هم با قم شریک هستند. پیش و پس و همراه. قبل و بعد و مع. این فتوا را داشتند. نوعاً مشهور هم قبول دارند. وقتی در قم دیدیم، خیلی بلاد در غرب آن هستند. عینی در آن جا بعداً خورشید غروب می‌کند؛ نیم ساعت دیگر، دو ساعت دیگر. فرمودند وقتی در قم دیدیم برای تمام بلادی که در غرب قم هستند کافی است. وقتی در قم دیدند دیگر لازم نیست که در بغداد ببینیم. لازم نیست در اراک ببینند. لازم نیست در کرمانشاه ببینند. چون در غرب هستند. این فتوا را داشتند.

ب) عدول از فتوای کفایت رؤیت در یک بلد از بلاد واقع در یک طول جغرافیایی

فتوای دیگر بلاد همراه قم هستند؛ روی کره یک خط طول داریم؛ طول و عرض جغرافیایی معروف است. بلادی که طول جغرافیایی آنها واحد است لازم نکرده طلوع و غروبشان یکی باشد. این معلوم است. لذا در «اسألة»، اصطلاحی هست که منظورشان را تعیین میکند. میگویند بلادی که در طول شریک هستند، منظورمان از طول این است که غروبشان یکی است. غروب و طلوعشان یکی است. منظور را میگویند. و الا دقیقاً همان طول جغرافیایی اصطلاحی نیست. میگویند برای تمام بلادی که در غرب با قم شریک هستند، اول ماه، نیز ثابت است. چرا؟ چون همین ماه است که ما در غرب میبینیم؛ وقت غروب قم آن را دیدیم، خُب آنها هم در غروبشان با ما شریک هستند و آن را دارند.

ج) عدول از فتوای کفایت رؤیت در بلاد غربی از رؤیت در بلاد شرقی به شرط طولانی بودن مکث هلال از فاصله زمانی دو شهر

فتوای سوم، پیش از قم است. قم در یک جایی واقع شده و مثلاً مشهد مقدس در شرق قم است و سائر بلادی که در شرق ما هستند. فرمودهاند رؤیت در قم برای شرقش کفایت نمیکند الا یک جا. جایی که مدت مکث هلال در افق قم، بیشتر از فاصله ساعت دو شهر باشد. مثلاً قم را با سمنان در نظر بگیرید. میگوییدتفاوت ما با آن جا بیست دقیقه ای نیم ساعت است. غروب قم با غروب سمنان، نیم ساعت تفاوت دارد. غروب سمنان نیم ساعت زودتر از غروب قم است. میفرمایند وقتی ما در قم هلال را دیدیم پنجاه دقیقه بالای افق بود؛ یعنی چون آنها در افق نیم ساعت، تفاوت دارند، به این معنا است که هلال بیست دقیقه در افق سمنان بوده. پس در شرائطی که شهرهای شرقی بلد رؤیت، طوری باشد که مدت مکث هلال در بلد رؤیت، بیشتر از فاصله آن دو شهر باشد، برای آنها هم کافی است. این امر خیلی روشن است.

شاگرد: اشتراک در غروب یعنی مثلاًاگر غروب ما هفت و نیم است، آنها هم هفت و نیم است؟

استاد: بله. اینطور معنا میکنند. یعنی منظور ایشان از طول جغرافیایی این است.

میفرمایند: سابقا ایشان این سه فتوا را داشتند و میفرمودند. یعنی یک جا که رؤیت شد در این سه مورد هم کافی است. بعداًاز این سه فتوا عدول کردند. چرا عدول کردند؟ چون باید سؤالات و رفتوبرگشتها و استفتائاتی که از شمال اروپا و کشورهایی که خیلی عرض شمالی نزدیکی دارند میآمد را دیدند. دیدند عجب! یک چیزی هست که با مبنای ایشان در این سه فرض جور در نمیآید. آن چیست؟ این است که صرف اینکه چیزی در غرب بلد هست، کافی نیست. چه بسا یک بلدی در غرب بلد دیگری است اما چون عرض جغرافیایی آنها تفاوت دارد، در بلد شرقی دیدند اما در بلد غربی واقعاًنمیتوان آن را دید.

دیروز هم عبارت ایشان را خواندم. گفتند در سیدنی که هلال را دیدند، عمر هلال، بیستویک ساعت بوده، اما همینجا در لندن که خیلی بعد از سیدنی است و عمر هلال هم سی ساعت شده، ولی به این خاطر که ارتفاع هلال دو درجه است، آن را ندیدند. لذا برای ایشان عدول فتوا شده است. گفتهاند در این شرائطی که دو شهر روی خط هستند ای یکی غرب هست، یک شرط دیگر هم دارند: اینکه در طول

اتفاق معتنی به، ندا‌شته با‌شند. به یک و دو درجه تصریح می‌کنند. یعنی تنها جایی را که متسامح فیه می‌دانند تفاوت عرض یک درجه و دو درجه و نحو ذلک است. می‌گویند این بلدی که یک و دو درجه تفاوت دارند، ثابت می‌شود اما اگر بالاتر بروید باید با آلات دقیقه محاسبه کنید و از اهل فن سؤال کنید. لذا این مبانی ایشان منجر به این شد که این سه فرضی که می‌گفتند –پیش و پس و همراه- مجزی است، بفرمایند که مجزی نیست و قید دیگری هم دارد. آن هم این است که باید در عرض جغرافیایی هم نزدیک باشند. و الا اگر فاصله داشته باشند نمی‌شود. این تتمه عرض من در آخر مباحثه دیروز است.